

# فعال کردن شورای کشورهای ساحلی دریای خزر، گامی در مسیر تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای

الهه کولائی<sup>۱</sup>

نقش ایران در شکل‌گیری شورای کشورهای ساحلی دریای خزر و تحکیم همکاری منطقه‌ای در این بخش استراتژیک از جهان بیانگر امتداد و توسعه روند جهانی تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است. بسیاری از کشورهای جهان به این سیاست در مسیر رفع موانع عقب‌ماندگی و کندی نرخ رشد اقتصادی خود توجه نموده‌اند. ملاحظات سیاسی و اقتصادی هر دو در شکل‌گیری این شورا نقش دارند. ولی این شورا عملاً برای ایفای نقشی که برای آن در نظر گرفته شده بود، فعالیت چشمگیری نداشته است. در این مقاله علل و عوامل این تأخیر و نیز ضرورت تقویت این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای حصول این هدف ابتدا عوامل و موانع همکاری را اجمالاً بررسی می‌نماییم.

دریای خزر با وسعتی در حدود ۴۲۴ هزار کیلومتر مربع بزرگترین دریاچه جهان می‌باشد، که پنج برابر دومین دریاچه بزرگ جهان، دریاچه سوپریور است و به همین دلیل این دریاچه را همواره دریا خوانده‌اند. دریای خزر در گذشته‌های دور با دریای سیاه و دریاچه آرال متصل بود. این دریاچه دارای اکوسیستم ویژه‌ای است که اهمیت بسیار به آن بخشیده است. منابع عظیم انرژی در زیر بستر دریا، ذخایر بیولوژیک و امکان ارتباطات دریایی و صنایع شیلات بر این اهمیت می‌افزاید. ساحل‌نشینان خزر از دیرباز منابع عظیم غذایی آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. اتصال رودخانه ولگا به این دریاچه سبب توسعه ارتباطات نواحی شمالی آن به سوی مناطق جنوبی گردیده است. شبکه‌های ارتباطی متصل به جنوب از طریق این دریاچه از دوران روسیه تزاری اهمیت جدی برای آن ایجاد نمود. از میان رفتن اتحاد شوروی و تبدیل دو کشور ساحلی (ایران و اتحاد شوروی) به پنج کشور (جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، و ایران) سبب اعتبار استراتژیک این دریاچه گردیده است. این تحول به ظهور

۱. دکتر الهه کولائی عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و عضو هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

مسائل جدیدی منجر شده که به طور جدی با اهمیت منطقه‌ای پیوند یافته است. اساساً توجه به این نکته ضروری است که پس از نابودی نظام دوقطبی در جهان، روندهای جدیدی تقویت شده است، که یکی از آنها توجه روزافزون به توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است. پس از جنگ جهانی دوم این نگرش به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است که توسعه همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند در مسیر توسعه و تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مؤثر ایفا نماید.<sup>(۱)</sup> لذا تقویت و انسجام روزافزون سازمانهای همکاری منطقه‌ای پیش از پیش مورد توجه واقع شده است. تقویت EC<sup>۱</sup>، ASEAN<sup>۲</sup>، NAFTA<sup>۳</sup> در این راستا قابل توجه می‌باشد.

شرایط جدیدی که در پیرامون دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد شوروی فراهم آمد، موجب گردید در ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ آقای هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری ایران از کشورهای ساحلی دریای خزر که از دو به پنج افزایش یافته بودند، دعوت نماید تا شورای کشورهای ساحلی دریای خزر<sup>(۲)</sup> را ایجاد نمایند. دولت ایران این اقدام را ورود به مسیری مناسب برای حل و فصل مسائل مشترک در میان کشورها دانست.<sup>(۳)</sup> دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ایران نیز تسهیل در روابط اقتصادی و تجاری کشورهای ساحلی دریای خزر و توسعه همکاری در زمینه ماهیگیری، کشتیرانی و حفظ محیط زیست را از نتایج شکل‌گیری این شورا خواند.<sup>(۴)</sup> متعاقب آن کنفرانسی نیز در شهر چالوس در بهار همان سال برگزار گردید، که در پایان آن پروتکلی به امضای شرکت‌کنندگان رسید که تقویت بنادر: باکو در آذربایجان، آستراخان در روسیه، اکتاو در قزاقستان، کراسنودسک در ترکمنستان، انزلی و نوشهر در ایران برای توسعه ارتباطات در میان اعضای شورای کشورهای ساحلی دریای خزر تصویب گردید. توسعه و تجهیز بنادر جنوبی ایران مانند بندرعباس و بندر امام خمینی نیز برای توسعه ارتباطات کشورهای ساحلی دریای خزر با بازارهای جهانی مورد توجه قرار گرفت.<sup>(۵)</sup>

نقش ایران در شکل‌گیری شورای کشورهای ساحلی دریای خزر و تحکیم همکاری منطقه‌ای در این بخش استراتژیک از جهان بیاتر امتداد و توسعه روند جهانی تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است. بسیاری از کشورهای جهان به این سیاست در مسیر رفع موانع عقب‌ماندگی و گندنی نرخ رشد اقتصادی خود توجه نموده‌اند. ملاحظات سیاسی و اقتصادی هر

۲. اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا

۱. اتحادیه اروپا

۳. اتحادیه تجارت آزاد در آمریکای شمالی

دو در شکل‌گیری این شورا نقش دارند.<sup>(۶)</sup> ولی این شورا عملاً برای ایفای نقشی که برای آن در نظر گرفته شده بود، فعالیت چشمگیری نداشته است. در این مقاله علل و عوامل این تأخیر و نیز ضرورت تقویت این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای حصول این هدف ابتدا عوامل و موانع همکاری را اجمالاً بررسی می‌نماییم:

## الف) عوامل همگرایی

### ۱. حفظ محیط‌زیست

دریای خزر از اکوسیستم ویژه‌ای برخوردار است که آن را به زیستگاه جانداران ویژه‌ای تبدیل نموده که بهترین آنها ماهی خاویار است. این دریاچه در بخشهایی از سال به پناهگاه و سکونت‌گاه گروه‌های مختلفی از پرندگان مهاجر تبدیل می‌شود که از نقاط دور و نزدیک به آن مهاجرت می‌کنند. اکوسیستم ویژه دریای خزر اینک با تهدیدات جدی مواجه می‌باشد، آلودگی محیط‌زیست در دریای خزر طی دهه‌های اخیر روندی خطرناک پیدا کرده است. علل اصلی این آلودگی عبارت‌اند از:

- تخلیه زباله و مواد حل‌نشده به‌طور مستقیم در دریا؛

- زباله ناشی از فعالیتهای صنعتی و کشاورزی؛

- ورود فاضلابهای شهری از طریق رودخانه‌ها به دریا.

افزایش آب دریای خزر سبب نشت فاضلابهای خانگی و ورود آلودگی‌های ساحلی به رودخانه‌ها و دریای خزر گردیده است. افزایش سطح آب علاوه بر زیانهای اقتصادی، سبب برهم خوردن تعادل اکوسیستم دریا نیز شده است. طی سالهای اخیر آب دریای خزر بیش از ۲/۵ متر بالا آمده است و در سواحل آن پیشروی قابل ملاحظه‌ای داشته است. در مورد علل و عوامل این افزایش، نظریات و برآوردهای گوناگونی ارائه شده است. برخی، تغییرات اقلیمی ۱۲۰ سال گذشته را سبب بالا و پایین رفتن آب دریا دانسته‌اند و عده‌ای، به تغییرات جوی زمین توجه کرده‌اند. گروهی نیز دگرگونی در بستر دریا را مورد اشاره قرار داده‌اند. به هر ترتیب و به هر دلیل که این تغییرات صورت گرفته باشد، این پدیده خسارات گسترده‌ای به مناطق ساحلی دریای خزر وارد آورده است. تأسیسات شهری و بسندری مهمی در سواحل این دریاچه دچار آب‌گرفتگی شده‌اند.

نمونه دیگری از خسارات ناشی از پیشروی آب دریای خزر در قزاقستان قابل توجه است. با در نظر گرفتن وابستگی پیشرفت اقتصادی این جمهوری به بهره‌برداری از منابع نفت و

گاز، امروزه این روند مورد تهدید جدی قرار دارد. بسیاری از حوضه‌های نفتی در معرض خطر آب‌گرفتگی قرار دارند و حفاظت از آنها بسیار مهم است. مناطق پُرجمعیت، مراکز صید، و بخشهای قابل توجهی از اراضی کشاورزی نیز در این جمهوری مورد تهدید قرار گرفته است. اساساً مناطق ساحلی دریای خزر در هر پنج کشور ساحلی از پُرجمعیت‌ترین و آبادترین نواحی این کشورها هستند که در اثر پیشروی آب دچار زیانهای جدی شده‌اند. طبق برخی برآوردها طی سالهای آینده نیز روند بالا آمدن آب دریای خزر ادامه می‌یابد.<sup>(۷)</sup> این امر موجب بروز مشکلات مشترک برای ساحل‌نشینان دریای خزر می‌باشد که مساعی مشترک همه کشورهای ساحلی را ضروری می‌سازد.

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که یکی از منابع آلوده‌سازنده دریای خزر رود ولگا است که به همراه شعبات خود، به سهل‌ترین وسیله برای تخلیه فاضلاب تصفیه نشده در دریای خزر تبدیل شده است. در سواحل جمهوری آذربایجان نیز فاضلاب تأسیسات صنعتی و انتقال زیاله‌های گوناگون بر شدت آلودگی آب به‌طور گسترده‌ای می‌افزاید. پالایشگاهها، صنایع پتروشیمی و چاههای نفت در این راستا قابل توجهی می‌باشند. طبق برآوردهای انجام شده طی دهه ۱۹۶۰ یک میلیون تن نفت نیز به‌طور ریزش اتفاقی، تراوش طبیعی، شکستگی لوله‌ها، فاضلاب چرب کشتی‌ها و سوختگیری به دریا ریخته شد.<sup>(۸)</sup>

به این ترتیب اولین و مهمترین عامل ضرورت یافتن تقویت شورا برای تسهیل همکاری میان کشورهای ساحلی، اقدامات مشترک برای حفظ محیط زیست می‌باشد که خطرهای ناشی از توسعه آلودگی محیط‌زیست برای همه کشورهای ساحلی زیانهای جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت.<sup>(۹)</sup> نقش جمهوری آذربایجان در آلوده‌سازی دریای خزر بسیار نگران‌کننده است. تنها در مدخل خورباکینسکایا میزان ورودی فاضلاب روزی ۲۳ هزار متر مکعب می‌باشد.<sup>(۱۰)</sup> آلودگی فزاینده آب دریای خزر سبب افت شدید در تولید خاویار گردیده است.

## ۲. توسعه خطوط ارتباطی

کشورهای ساحلی دریای خزر برای توسعه مبادلات گوناگون از زمینه مناسبی برخوردار هستند، هزینه اندک حمل‌ونقل دریایی بر جذابیت این امر می‌افزاید. چهار کشور از پنج کشور ساحلی دریای خزر عضو اکو هستند. اعضای این سازمان مانند اعضای همه سازمانهای همکاری اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، با محدودیتهای جدی برای توسعه ارتباطات مواجه هستند. این دریا می‌تواند نقش اساسی در کاهش دشواریهای مربوطه ایفا نماید. ویژگیهای

ژئواستراتژیک ایران برای ایجاد پیوند میان کشورهای ساحلی دریای خزر از یک سو و بازارهای جهانی از طریق خلیج فارس و دریای عمان از سوی دیگر بر اهمیت این همجواری افزوده است. این خصوصیت برای بهره‌گیری در عرصه‌های مختلف قابل توجه می‌باشد. آمادگی ایران برای مبادله نفت در مرزهای شمالی و جنوبی خود، دسترسی جمهوری‌های آسیای مرکزی و نیز آذربایجان را به بازارهای جهانی تسهیل می‌نماید.<sup>(۱۱)</sup> اهمیت این مسئله با توجه به محصور بودن این جمهوری‌ها (غیر از روسیه) در خشکی آشکار می‌گردد.

### ۳. بهره‌برداری از منابع و ذخایر گوناگون

در بخشهای مختلف دریای خزر منابع نفت و گاز وجود دارد که برخی از آنها مورد اکتشاف و بهره‌برداری قرار گرفته است. در مناطق جنوبی دریای خزر بهره‌برداری از نفت و گاز از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، ولی با توجه به میزان آلودگی نفتی و خطرناک بودن آن در سال ۱۹۶۸ هیأت وزیران اتحاد شوروی برای جلوگیری از آلودگی آب دریای خزر قانونی تصویب کرد که براساس آن از وزارت نفت اتحاد شوروی درخواست شد از احداث چاههای جدید برای برداشت بیش از حد مجاز نفت و گاز خودداری شود. البته ضعف تکنولوژیکی در بهره‌برداری از نفت در اعماق دریا نیز نباید مورد فراموشی قرار گیرد.

به ترتیب منابع نفت و گاز دریای خزر پس از مناطق خلیج فارس و سیبری بیشترین توجه را به خود جلب نموده است. برآوردهای کنونی ارزش و اعتبار فوق‌العاده‌ای برای آینده اقتصادی کشورهای ساحلی دریای خزر با توجه به پتانسیل مواد نفتی و گازی ارائه می‌نمایند. هرچند آمار دقیق و قطعی نسبت به کل منابع نفت و گاز وجود ندارد و ارقام موجود نوسان زیادی را نشان می‌دهند.

منابع عظیم انرژی در دریای خزر و تهدیدات ناشی از بهره‌برداری از آن برای محیط‌زیست و اکوسیستم منطقه به نوبه خود ضرورت تقویت و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای را آشکار می‌سازد.

### (ب) موانع همگرایی

#### ۱. عدم حصول توافق در مورد رژیم حقوقی دریای خزر

این امر به یکی از عوامل مهم در توسعه همکاری‌های سازنده منطقه‌ای در پیرامون دریای خزر تبدیل گردیده است. در واقع پس از طی دوران روابط نابرابر دو کشور ساحلی دریای

خزر ایران و روسیه در دوران تزاری، در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ مینای جدیدی برای رژیم حقوقی دریای خزر در نظر گرفته شد و غیراز منطقه انحصاری ۱۰ مایل برای ماهیگیری، دو کشور استفاده از تمام دریا را برای یکدیگر مجاز و شناخته شده تلقی نمودند. در قرارداد بازرگانی - بحریمایی که در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میان دو کشور به امضا رسید نیز استفاده مشترک از دریا مورد تأیید واقع گردید. به این ترتیب دریای خزر در میان اتحاد شوروی و ایران حالت مشاع داشت<sup>(۱۲)</sup>، و نوعی حاکمیت مشترک برای بهره‌گیری از منابع دریا مورد پذیرش قرار گرفته بود<sup>(۱۳)</sup>، که جز در عرصه نظامی اجرا گردید. ولی با فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال کشورهای ساحلی دریای خزر، روند طبیعی برای تقسیم مزایای اقتصادی و بهره‌گیری از منابع و امکانات این دریاچه براساس توافق یادشده توسعه نیافت. بویژه دولتهای آذربایجان و قزاقستان بهره‌گیری از نفت و گاز نزدیک به سواحل خود را مورد توجه جدی قرار دادند. در حالی که ایران و روسیه با تأکید بر ضرورت رعایت رژیم حقوقی پیشین و اشتراک در بهره‌برداری از منابع دریا را با در نظر گرفتن هماهنگی و همکاری کشورهای ساحلی مورد عنایت قرار دادند.

جمهوری آذربایجان برخلاف کنوانسیونهای بین‌المللی، در مورد تملک خود بر بخشهایی از دریای خزر تا آن حد پیش رفت که در قانون اساسی اخیر خود بخشهایی از دریای خزر را جزو قلمرو و سرزمین خود اعلام کرده است.<sup>(۱۴)</sup> اتخاذ این رویه برای برخورد آزادتر با فعالیتهای شرکتهای نفتی در منطقه می‌باشد، که بی‌تردید به توسعه بی‌ثباتی و ناامنی کمک می‌کنند. پیشینه سیاستهای روسیه در جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی و نیز جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز اینک واکنشهایی را ایجاد می‌کند که در جهت تأکید بر مواضع مستقل آنها شکل می‌گیرد. مخالفت صریح روسیه با این تلاشها<sup>(۱۵)</sup> سبب تمایل بیشتر جمهوری آذربایجان به بهره‌گیری از اهرم فشار شرکتهای غربی گردیده است. ایران نیز همانند روسیه با بین‌المللی شدن مسائل دریای خزر مخالف است و وزارت امور خارجه ایران آشکارا ضرورت حصول توافق برای بهره‌برداری از نفت و گاز دریای خزر را مورد تأکید قرار داده است.<sup>(۱۶)</sup>

دولت روسیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را که بیانیه ۱۹۹۱ را در آلماتی امضا کرده‌اند<sup>(۱۷)</sup>، موظف به پذیرش تعهدات بازمانده از دوران اتحاد شوروی و لذا پذیرش رژیم حقوقی پیشین دریای خزر تا تدوین رژیم حقوقی جدید می‌داند. لذا آذربایجان و قزاقستان نیز باید توافقیهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۰ را مورد توجه قرار دهند.

## ۲. خطاهای استراتژیک

از جمله عوامل تأخیر در روند همکاری منطقه‌ای در پیرامون دریای خزر خطاهای استراتژیک می‌باشد. دولت باکو که با مشکلات اقتصادی پیچیده همانند دیگر جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی مواجه می‌باشد، بهره‌گیری از ثروت‌های نفتی را چاره‌ساز مشکلات و دشواری‌های خود یافته است. جمهوری آذربایجان یک‌جانبه بهره‌برداری از منابع نفتی دریای خزر را دنبال می‌کند، این سیاست یکی از عوامل جدی در کندی روند همکاری منطقه‌ای دریای خزر می‌باشد. دولت جمهوری آذربایجان که صدمات جنگ شش‌ساله با ارامنه قره‌باغ را نیز متحمل گردیده است، انعقاد قرارداد نفتی با کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی غربی را مقرر برای نجات خود از مشکلات یافته است. تلاش پیگیر شرکت‌های غربی برای بهره‌مندی گسترده از امکانات عظیم انرژی در دریای خزر با این تمایل باکو پیوند خورده است. نفت دریای خزر در نزدیکی سواحل جمهوری آذربایجان دارای کیفیت مناسبی است و براساس برآوردهای موجود ذخایر عظیمی انرژی در آب‌های نزدیک به آذربایجان وجود دارند.<sup>(۱۸)</sup>

در اوایل قرن نوزدهم، در نوامبر سال ۱۸۱۳ در گلستان عهدنامه‌ای به امضا رسید که سرنوشت جمهوری آذربایجان را دگرگون ساخت و آن را به روسیه وابسته ساخت و اینک در پایان قرن بیستم قرارداد سپتامبر ۱۹۹۴ در کاخ گلستان می‌تواند بار دیگر سرنوشت جمهوری آذربایجان را دگرگون سازد. حیدرعلی‌اف که هنگام روی کار آمدن، قراردادهای نفتی با باکو مربوط به دوران جبهه خلق را معلق نموده بود، به‌زودی در برابر روسیه به تلاش برای بهره‌گیری از نفوذ غرب، بویژه آمریکا پرداخت. پس از آنکه در ۱۶ سپتامبر علی‌اف در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد قرارداد نفتی با کنسرسیوم شرکت‌های غربی در روز ۲۰ سپتامبر به امضا خواهد رسید، وزارت امور خارجه روسیه طی یادداشتی برای سفارت انگلستان در باکو غیرقانونی بودن هر قراردادی را تا مشخص شدن رژیم حقوقی دریای خزر اعلام کرد<sup>(۱۹)</sup> ولی قرارداد نفتی باکو به امضای طرفین رسید.

براساس این قرارداد حوضه‌های نفتی چراغ، آذری و گونشلی ظرف ۳۰ سال مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، و حدود ۵۰۱ میلیون تن نفت استخراج خواهد گردید. هزینه پالایش این نفت ۷/۴ میلیارد دلار برآورد شده است، که ۲۰ درصد را آذربایجان و بقیه را شرکت‌های آمریکایی، انگلیسی، ترک و نروژی عهده‌دار شدند. پس از انعقاد این قرارداد سفارت روسیه در ایروان نیز اعلامیه‌ای منتشر ساخت و نه‌تنها قرارداد باکو، بلکه موافقت‌نامه‌های آلمانی و عشق‌آباد را نیز مغایر با رژیم حقوقی دریای خزر و زیرپا‌گذاردن منافع روسیه در منطقه خواند.<sup>(۲۰)</sup>

شرکتهای نفتی غربی نیز برای حساس‌تر نمودن دولتهای غربی نسبت به مسائل نفتی دریای خزر و تسهیل در بهره‌برداری خود از منابع انرژی آن، ارقام مبالغه‌آمیزی را در مورد منابع نفتی این دریاچه اعلام کرده‌اند، مثلاً در برخی برآوردها منابع نفت نزدیک سواحل قزاقستان تا ۲۵ میلیارد تن ذکر شده است.<sup>(۲۱)</sup> پس از ابراز تمایل ایران برای حضور در کنسرسیوم، دولت آذربایجان ۵ درصد از سهام خود را به ایران واگذار کرد که پس از اعمال فشار از سوی آمریکا آن را باز پس گرفت. ناطق علی‌اف رئیس شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان (سوکار)<sup>(۲۲)</sup> به ابراز نگرانی شدید آمریکا از حضور ایران در کنسرسیوم اشاره نموده است.<sup>(۲۴)</sup>

شرکتهای آمریکایی در قزاقستان نیز فعالیتهای گسترده‌ای را سازمان داده‌اند که کمپانی‌های شورون و موبیل مهمترین آنها هستند.<sup>(۲۵)</sup> قزاقستان که از جمله جمهوری‌های محصور در خشکی در آسیای مرکزی می‌باشد، نسبت به مبادله نفت با جمهوری اسلامی ایران در سواحل شمالی و جنوبی آن تمایل جدی نشان داده است.<sup>(۲۶)</sup> برخی از کارشناسان امور نفتی منابع نفتی دریای خزر را ۴۲ میلیارد بشکه برآورد کرده‌اند که این رقم را با احتمال اکتشاف مخازن جدید تا ۱۶۰ میلیارد بشکه افزایش می‌دهند<sup>(۲۷)</sup>، و در مقایسه با ذخایر نفتی عربستان سعودی که ۲۵۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

از عمده‌ترین آثار انعقاد قرارداد نفتی باکو ایجاد تحولات و اندرکنش‌های سیاسی جدی با توجه به مسیرهای انتقال نفت به بازارهای جهانی می‌باشد.<sup>(۲۸)</sup> در واقع منبع سود کنسرسیوم حق ترانزیت نفت است. دولت روسیه از متقاضیان جدی ارائه مسیر انتقال نفت مورد استحصال طبق قرارداد باکو می‌باشد، در حالی که ترکیه و گرجستان و حتی ارمنستان نیز به این مسئله توجه جدی نشان داده‌اند.<sup>(۲۹)</sup> روسیه با مشکلات جدی برای حل و فصل بحران در چین مواجه است که انتقال نفت از این مسیر را غیر عملی می‌سازد، برای انتقال نفت در مسیر روسیه به سوی دریای سیاه و بندر نوروسیسک تأمین امنیت و آرامش در چین ضرورتی حیاتی است.<sup>(۳۰)</sup> مسئله انتقال نفت از مسیر جمهوری آذربایجان و مناطق پیرامونی آن به نوبه خود زمینه را برای نفوذ قدرتهای بیگانه در منطقه مهیاتر ساخته است.

### ۳. نفوذهای خارجی

پیامد دیگر انعقاد قرارداد نفتی باکو، توسعه زمینه و امکانات برای فعالیت پیگیر نیروهای بیگانه در قفقاز و آسیای مرکزی بوده است. شرکتهای نفتی همانگونه که در اوایل قرن بیستم در منطقه خلیج فارس تحولات سیاسی برای تسهیل در نیل به اهداف اقتصادی خود به وجود



آوردند، در قفقاز نیز سیاستهای مشابهی را دنبال می‌کنند. طرح ایفای نقش تاریخی آمریکا برای آشتی دادن ارامنه و آذری‌ها، همانند برنامه صلح در خاورمیانه و در بالکان، از سوی منابع آمریکایی دنبال می‌شود. تکرار نقش آمریکا در قره‌باغ براساس الگوی کمپ‌دیوید مورد حمایت عده زیادی از صاحب‌نظران آمریکایی است.<sup>(۳۱)</sup>

رهبری جمهوری آذربایجان با باز کردن پای قدرتهای بیگانه به منطقه می‌کوشد به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. این اقدامات بیانگر تلاش رهبری باکو برای بهره‌گیری از اهرم نیروهای بیگانه برای رهایی اراضی خود از اشغال ارامنه می‌باشد. نظریه انتقال نفت از مسیر ارمنستان و استفاده سیاسی از آن در جهت تحکیم پیوندهای منطقه‌ای و مزایای اقتصادی آن و نیز تلاشهای ترکیه برای انتقال نفت از مسیر گرجستان به ترکیه و اروپا نیز در راستای تحولات ژئوپلیتیکی منطقه باید مورد توجه قرار گیرد. اختلافات ترکیه و روسیه در مورد این مسئله و محدودیتهای ترکیه در عبور نفتکش‌های روسی با اشاره به مشکلات زیست‌محیطی نیز در زمینه بهره‌برداری از نفت دریای خزر معنی و مفهوم جدی می‌یابد. تلاش آمریکا برای عادی‌سازی روابط ارامنه و آذری‌ها (ارمنستان و ترکیه)<sup>(۳۲)</sup> تحت تأثیر لابی‌های ارامنه در فرانسه و آمریکا و فشارهای درونی در ترکیه برای اتحاد با اروپا که انتقادات جدی را در روابط آن با ارمنستان مطرح می‌سازند، نیز قابل بررسی می‌باشد. هرچند ملاقات رهبران ترکیه و ارمنستان در باکو با اعتراض شدید مواجه گردید، ولی آمریکا قانون ممنوعیت ادامه کمک به کشورهایی که اجازه انتقال کمکهای انسان‌دوستانه را از اراضی خود نمی‌دهند، در مورد ترکیه به اجرا گذاشت. به‌هرحال مقامات ترکیه عادی‌سازی روابط با ارمنستان را از منظر مزایای اقتصادی نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهد.<sup>(۳۳)</sup>

از سوی دیگر روسیه در برابر فشارهای ترکیه برای انتقال نفت از مسیر این کشور، مذاکراتی را با یونان و بلغارستان آغاز کرد و در ۳۱ اوت ۱۹۹۵ قراردادی را برای انتقال نفت به بندر بورغاز در بلغارستان و سپس دده‌آغاج به بازارهای جهانی به امضا رسانید.<sup>(۳۴)</sup> به این ترتیب قرارداد نفتی باکو تحولات ژئوپلیتیکی عمده‌ای را در منطقه قفقاز و پیرامون آن ایجاد کرده و توسعه نفوذ نیروهای بیگانه در این نواحی صلح و امنیت منطقه‌ای را با مخاطرات جدی هرچند بالقوه مواجه نموده است.<sup>(۳۵)</sup> بنابر نکات ارائه شده عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، بهره‌برداری یک‌جانبه جمهوری آذربایجان از منابع نفتی دریای خزر با اتکا به قدرتهای خارجی و توسعه نفوذ نیروی بیگانه در منطقه به‌عنوان موانع توسعه همکاری و تقویت شورای کشورهای ساحلی دریای خزر باید مورد توجه قرار گیرند.

## نتیجه

به این ترتیب ضرورت‌های ناشی از حفظ اکوسیستم ویژه و انحصاری دریای خزر، بهره‌گیری از منابع عظیم زیربستر دریا، جلوگیری از آلودگی فزاینده آب آن، و نیز توسعه نفوذ بیگانگان، ضرورت تقویت و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب شورای کشورهای ساحلی دریای خزر را آشکارتر می‌سازد. تحولات ژئواستراتژیک پیرامون این دریاچه و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که دارای آثار جدی بر صلح و امنیت منطقه‌ای است، شرایط سیاسی - اجتماعی همه کشورهای ساحلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عزم ملی نخبگان سیاسی در کشورهای پیرامون دریای خزر می‌تواند حل و فصل مسائل و دشواری‌های مشترک را تسهیل نماید، لذا می‌توان در شورای همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر به آن تبلور بخشید. این اقدام می‌تواند براساس نیازها و خواسته‌های کشورهای ساحلی با ایجاد همگونی و تعادل در آن‌ها به تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای یاری رساند.

## یادداشتها

1. IVO.D. Duchacek, «Conflict and Cooperation Among Nations», (N.Y: Halt Reinhart andwinston Inc., 1960) p.615.
2. Caspian Sea Cooperation Organization (CASCO).
3. FBIS - News, Feb. 1996, p.46, in: «Iran's Foreign Policy», *Middle East Journal*, Vol.46, No.3, Summer 1992, p.408.
4. *Ibid.*
5. FBIS - News, May 5, 1992, pp.52-3, in *Ibid.*, p.409.
6. John Calabrese, *Revolutionary Horizons, Regional Foreign Policy in Post-Khomeini Iran*, (N.Y.: St.Martin Press, 1994), 95.
7. سالیکیف، «دریاچه‌ای با سرنوشت دریایی»، قزاقستان پراردا، ۶ ژوئیه ۱۹۹۵.
8. R.B.Clark, *Marine Pollution*, Oxford: Clarendon Press, 1982, p.182.
9. گریگوری کاراسین سخنگوی وزارت امورخارجه روسیه نیز آثار منفی بهره‌برداری از نفت دریای خزر را بر محیط‌زیست و منابع طبیعی آن مطرح نموده است. نگاه کنید به:  
Henn-Jüri Uibpuu, «The Caspian Sea: An tangle of Legal Problems», *The World today*, Vol.51, No.6, June 1995, p.120.
10. *Ibid.*

۱۱. بوری کرنینسیانوف، «تبدیل پنج کشور به چهار کشور»، روسیسکایا گازتا، ۲۶ مه ۱۹۹۵.
۱۲. الکساندر خوداکف، «چارچوب حقوقی همکاری‌های منطقه‌ای در دریای خزر»، ترجمه مهرداد محسنین، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۵۲.
۱۳. پیشین.
۱۴. پیشین، ص ۱۵۴، ترکمنستان و قزاقستان نیز تأسی نموده‌اند.
15. Stephen Blank, «Energy, Economics and Security in Central Asia: Russia and its rivals», Central Asian Survey, Vol 14, No.3, 1995, p.376.
۱۶. کنستانتین اگرت، «حمایت تهران در مباحثه بر سر میراث خزر از مسکو»، ایزوستیا، ۲۶ مه ۱۹۹۵.
۱۷. گئورگی بوفت، «مبادله اصول با خط لوله»، کرسانت دیلی، ۳۰ اوت ۱۹۹۵.
18. Azerbaijan Republic , Oil Strategy and Obstacles», Offshore Engineer, May 1995.
۱۹. عارف یوسونوف، «عهدنامه جدید گلستان یا انتظارات آذربایجان»، اکسپرس خرونیکا، ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۵.
۲۰. کمرسنت دیلی، ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۴.
۲۱. به نقل از ایزوستیا، ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴.
۲۲. نزاویسیمایا گازتا، ۲۵ فوریه ۱۹۹۵.
23. SOCAR (State Oil Company of Azerbaijan Republic).
۲۴. نزاویسیمایا گازتا، ۲۵ فوریه ۱۹۹۵.
۲۵. «دو پیشنهاد در برابر یک پیشنهاد رو شده» کمرسنت دیلی، ۱۵ نوامبر ۱۹۹۵.
۲۶. پیشین.
۲۷. واشنگتن پست، به نقل از روزنامه ملت (آذربایجان) اول ژوئیه ۱۹۹۵.
۲۸. هاگیک مارتیروسیان وزیر انرژی ارمنستان در کنفرانس بروکسل در مورد مسائل خط لوله انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا پیشنهاد انتقال نفت صادراتی آذربایجان به اروپا را از مسیر ارمنستان مطرح کرد. به نقل از خبرگزاری توران، ۷/۹/۷۴.
۲۹. مرادسلیم اف، «روسیه خط لوله را از گروزی گرفته به کنسرسیوم خواهد داد»، کمرسنت دیلی، ۱۰ ژانویه ۱۹۹۴.
۳۰. عارف حسین اف، «طرح جدید، مناسبات آذربایجان - آمریکایی»، سیودنیا، ۸ سپتامبر ۱۹۹۴.
۳۱. ملیت (ترکیه)، ۲۶ فوریه ۱۹۹۵.
۳۲. دنیا (ترکیه)، ۱۶ مارس ۱۹۹۵.
۳۳. اورنادوغو (ترکیه) ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۵.



کتابخانه  
بنیاد و ایرة العارف اسلامی

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی